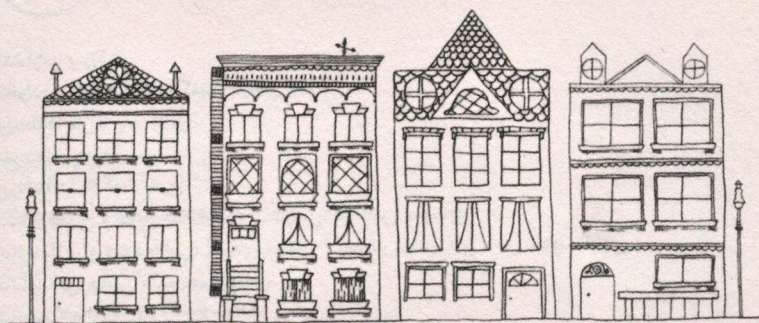
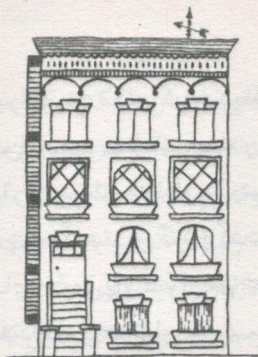


# خانوادہی و تخریبیکر

ساکنین نیا بیان ۱۴۱



کارینا بیان گلزار مریم رئیسی



## فصل یک

توی محله‌ای آرام با ساختمان‌های شبیه هم در خیابان ۱۴۱، داخل آپارتمانی با سنگ‌های قرمز تیره، خانواده‌ی وِندربیکر<sup>۱</sup> برای جلسه‌ای خانوادگی در اتاق نشیمن دور هم جمع شدند. حیوان‌های خانگی‌شان، گربه‌ای به نام فرنس<sup>۲</sup>، یک طوطی به نام جُرج واشنگتن<sup>۳</sup> و خرگوشی به نام پاگانینی<sup>۴</sup> روی فرش اتاق نشیمن که نور باریکی از آفتاب بعدازظهر رویش می‌تابید، دراز کشیده و مشغول چرت عصرگاهی بودند. لوله‌های آب داخل دیوارها هم با صدای خوشایندی آن‌ها را همراهی می‌کردند.

«ترجیح می‌دین اول خبر خوب رو بشنوین یا خبر بد؟»

پنج فرزند خانواده‌ی وندربیکر به پدر و مادرشان نگاه کردند.

ایسا<sup>۵</sup> و لینی<sup>۶</sup> گفتند: «خبر خوب.»

جسی<sup>۷</sup>، اولیور<sup>۸</sup> و هایاسینث<sup>۹</sup> گفتند: «خبر بد.»

1- Vanderbeeker

2- Franz

3- George Washington

4- Paganini

5- Isa

6- Laney

7- Jessie

8- Oliver

9- Hyacinth